

بررسی دیدگاه مردم مشهد درباره تقسیم‌بندی مناطق به بالا شهر و پایین شهر

زیر پوست شهر جدایی‌گزینی نکنید



نگار: محمدحسین صفاپور | شهر آرا

شوشتری

پای صحبت اهالی مناطق کم‌برخوردار که می‌نشینیم، احساس نابرابری از منطقه زندگی‌شان با دیگر مناطق شهر را در اولین نظر خواهی‌ها از مقایسه مناطق شهری بر زبان می‌آورند. گاهی از احساس تبعیض بین محله زندگی‌شان با دیگر مناطق به‌اصطلاح برخوردار شهر می‌گویند، گاهی از دل خوری‌ها برای وعده‌هایی که هر مقام مسئول و مدیری در سر کشی از این مناطق داده، اما به آن‌ها عمل نشده است، گاهی هم از حس فاصله‌ای می‌گویند که بین آن‌ها و مناطق دیگری از شهر افتاده است؛ حسی غریب یا در آمیخته با تلخ‌کامی از اینکه چون این افراد توان مالی کمتری داشتند، مجبور

● شخصیت ما را با منطقه زندگی‌مان جمع نزنند

دانشجویی ساکن یکی از مناطق حاشیه شهر، حرف‌هایش از تقسیم شهر به ۱۲ دسته برخوردار و ناب‌خوردار را با گره خوردن سرنوشت زندگی خودش به این دیدگاه بیان می‌کند. این دانشجوی دختر می‌گوید: از بچگی محله زندگی‌مان، مدرسه‌ام، بپریم، با اطمینان می‌گفتم نه و چه بسا غصه هم می‌خوردم، اما درست از زمانی که به سن ازدواج رسیدیم، همه باور‌هایی که درباره منطقه زندگی و خانه‌مان داشتیم، به هم خورد. خیلی از خواستگاران‌ی که با مادرم تماس می‌گرفتند، اولین سؤال‌شان درباره نشانی خانه‌مان و منطقه زندگی‌مان بود. خانواده یکی از دوستان دانشگاهم می‌خواستند برای برادرش به خواستگاری‌ام بیایند، اما وقتی فهمیدند که محله و خانه زندگی ما کجای شهر است و آن‌ها در چه منطقه خوش‌نام و پرآوازه‌ای از نظر طبقه اجتماعی و اقتصادی قرار دارند، نظر‌شان تغییر کرد و هیچ‌وقت نیامدند. برای همین از اینکه کسی حرف از بالا شهر و پایین‌شهر بیاورد، تنفر و خشمی درونی در من شعله می‌کشد، زیرا حتی شخصیت ما را هم گاهی با منطقه زندگی‌مان جمع می‌زنند!

● در ساختن مناطق شهری هم پارتی‌بازی کرده‌اند

شاید در حد لطیفه باشد، اما در دوره‌های مختلف مدیریتی وجود داشته است که معبر و خیابانی را چون فلان مسئول و فلان مدیر در آنجا خانه خریده است، به لحاظ نوع رسیدگی به سیما و ظاهر شهری ویژه و خاص شود. حتی امکاناتی از نظر زیرساخت‌های شهری به آنجا برده شده که به قیمت ملک‌هایش بیفزاید. این موضوع را هر چند پنهان و غیررسمی بوده است، اما مردم کمتر منطقه‌ای از مناطق کم برخوردار شهر هستند که بر زبان نیاورند. در یکی از مناطق کم‌برخوردار مشهد، با مردی میان‌سال که تقریباً نیم‌قرن از زندگی‌اش را در کوچه‌پس‌کوچه‌های همین محله قدیمی گذرانده است، هم‌کلام می‌شویم. می‌گوید: ما هیچ‌جا پارتی نداشتیم. حتی در محله زندگی‌مان هم فلان مقام مسئول و فلان مدیری نبود که پارتی محله باشد و وضع این منطقه تکانی بخورد. در ساختن مناطق شهری هم پارتی‌بازی کرده‌اند. این ساکن محله قدیمی مشهد حتی اسم چند منطقه مسئول را می‌برد که اول زمین‌های فلان منطقه مشهد را به قیمت ارزان خریدند و بعد آنجا را آباد کردند و بارشان را ایستند.

● کاش ذهنیت خود مردم هم از مناطق شهری تغییر کند

با اهالی معابر مختلف منطقه قاسم‌آباد که صحبت می‌کنیم، نظر‌های متفاوتی از تقسیم شهر به مناطق برخوردار و کم‌برخوردار دارند. معلمی که بیش از ۲۰ سال ساکن این منطقه بوده است، می‌گوید: منطقه تدریس من در دوسه منطقه

برخوردار مشهد از جمله سجاد، احمدآباد و سناباد بوده است. سال‌ها در رفت‌وآمد به این مناطق بودم و بارزودرشت زیرساخت‌های شهر و... این مناطق آشنا هستم. وقتی منطقه قاسم‌آباد را از نظر خیابان‌کشی، فضای سبز، پارک‌ها، پیاده‌روها و... مقایسه می‌کنم، در خیلی از معابر زیرساخت‌های ایجادشده در قاسم‌آباد بهتر است. حتی خانه‌های نوساز و زیبایی‌های بصری مناطق، اما در نگاه مردم همچنان این منطقه با فاصله زیاد از دیگر مناطقی که اسم بردم قرار می‌گیرد، حتی در بحث قیمت ملک و نگاه مردم به برخورداری امکانات. کاش ذهنیت خود مردم هم درباره مناطق مشهد و چیدمان چند نقطه به‌عنوان مناطق ویژه تغییر کند و به‌صورت گزینشی به مناطق شهر نگاه نکنند.

● بردن سرمایه‌ها به مناطق برخوردار شهر

در میان دیدگاه‌های مختلفی که مردم درباره مناطق برخوردار و کم‌برخوردار برآیمان بیان می‌کنند، بحث بودجه، اعتبار و سرمایه‌گذاری‌ها هم جزو صحبت‌هایی است که خیلی‌ها آن را مطرح می‌کنند و همین تبعیض در هزینه کرد اعتبارات را دلیلی برای عقب‌ماندگی برخی از مناطق شهری از دیگر مناطق برخوردار می‌دانند. یک معمار تجربی که ساکن منطقه‌ای در حاشیه شهر مشهد است، نظر خود را این‌گونه بیان می‌کند: کارم بنایی بوده است و در بیشتر نقاط شهر هزینه می‌شوند، به‌ندرت در مناطق کم‌برخوردار هزینه می‌شوند. به‌عنوان مثال، کسی که می‌خواهد یک برج یا یک پاساژ تجاری یا یک مکان تفریحی و گردشگری بسازد، سرمایه‌اش را به همان مناطق برخوردار شهر می‌برد تا سود بیشتری بکند. از طرف دیگر، با وجود اینکه مدیران می‌گویند بودجه بیشتری را برای مناطق کم‌برخوردار شهر در نظر می‌گیرند، در عمل بیشتر بودجه‌ها را برای توسعه مناطق برخوردار شهر هزینه می‌کنند.

● مناطق زندگی ما فقط وقت انتخابات مهم می‌شود!

یکی از نکته‌های مشترک سخنان مردم در مناطق کم‌برخوردار، محقق‌نشدن خیلی از وعده‌هایی است که مسئولان و مدیران مختلف در بازدید و سخنرانی از مناطق زندگی آن‌ها داده‌اند. صحبت بیشتر آن‌ها این است که برای ریزودرشت مسائل و مشکلات منطقه زندگی‌شان مسئولانی که آمده‌اند، قول داده‌اند، اما یا محقق نشده یا سال‌ها زمان برده است تا به‌عنوان مثال کوچک‌ترین درخواست‌های آنان به مرحله اجرا برسد. معتمد یکی از محلات حاشیه شهر مشهد که خادم یکی از مساجد محله هم هست، می‌گوید: مناطق زندگی ما فقط مواقع انتخابات مهم می‌شود! همین مسجدی که خادمش هستم، همه سال روی هیچ مسئولی را نمی‌بینم، اما تا زمان نزدیک انتخابات می‌شود، جلسه مردمی و سخنرانی‌ها در این مسجد شروع می‌شود. انگار ما فقط پله‌ای برای صندلی آن‌ها هستیم، وگرنه این افرادی که دنبال منفعت خودشان و کسب رأی و جایگاه هستند، دل‌سوز این محلات نیستند.

شهر آرا

روزنامه شهرامید وزندگی

شماره ۱۳۰۰ ۱۶ شهریور ۱۴۰۰ ۲۲ خرداد ۱۳۹۹ شماره ۲۲۵۵

SHAHRARANEWS.IR

۰۴

↓

جامعه

گفت‌وگوی شهر آرا با دکتر صدیق‌اورعی، جامعه‌شناس، درباره پدیدارشناسی مناطق کم‌برخوردار و برخوردار شهرها

شهر از کی بالا و پایین شد؟



محدثه شوشتری
m.shushtari@shahraranews.ir

زندگی زیر پوست یک شهر جاری است، اما خط‌کشی‌ها بین مناطق شهر وجود دارد. چه در ادبیات عوام و چه ادبیات شهرسازی این جدایی‌گزینی وجود دارد. سال‌هاست که در ادبیات رسمی واژه‌های «بالا شهر» و «پایین شهر» به مناطق برخوردار و کم‌برخوردار تغییر داده شده است؛ هرچند این تغییر کلامی فقط در صحبت‌های رسمی دست‌اندرکاران و متولیان امور شهر جاری است و در بدنه جامعه، مردم همچنان از «بالا شهر» و «پایین شهر» در کلامشان استفاده می‌کنند. درواقع مفهوم بالا شهر و پایین شهر، نوعی دوگانگی بین ساکنان یک شهر را در دل دارد که این دوگانگی در دستیابی به برابری اجتماعی، رفاه، امکانات، نیازها و... است، اما اینکه این دوگانگی چگونه در شهری مثل مشهد ایجاد شده است، از چه زمانی و چگونه مناطق شهر به ۱۲ دسته بالا شهر و پایین شهر تبدیل شدند، چرا مناطق کم‌برخوردار برای پوپولیست‌ها، بهشت کارزارها و پوشش‌های انتخاباتی است، نقش شهرسازی در ایجاد این خط‌کشی‌ها چه بوده و نقش مردم چیست، همه پرسش‌هایی هستند که پاسخ آن را از منظر جامعه‌شناسی از حجت‌الاسلام دکتر غلامرضا صدیق‌اورعی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه فردوسی و استادیار جامعه‌شناسی این دانشگاه جویا می‌شویم. او سال‌ها پژوهش‌های کاربردی درباره مسائل اجتماعی خراسان و مشهد داشته و به تدریس و تحقیقات بنیادی در این زمینه نیز پرداخته است.

● در هر شهری خواسته و ناخواسته در ادبیات مردم، مناطق شهری به بالا و پایین شهر دسته‌بندی می‌شوند. در پایتخت این بالا و پایین شهر را به شمال و جنوب شهر تغییر می‌کنند و شهرهای دیگر هر کدام به‌شکلی این جدایی‌گزینی را دارند. درباره مشهد از چه زمانی این خط‌کشی‌ها بین مناطق شهری پیدا شد؟

در گذشته‌ای که به کمتر از ۱۰۰ سال قبل بازمی‌گردد، هیچ سندی را نمی‌توانید بیابید که گویای وجود محله حاشیه‌نشین‌ها، بی‌پول‌ها، پایین‌شهری‌ها، کم‌برخوردار‌ها... در شهر مشهد باشد. افراد بی‌پول، مهاجر یا افراد با تمکن مالی پایین در این شهر زندگی می‌کردند، اما منطقه زندگی آن‌ها از طبقات ثروتمند جدا نبود. مثل امروز منطقه مسکونی هر فرد نشانه‌ای برای طبقه اقتصادی و اجتماعی آن فرد نبود، بلکه در هر محله و منطقه‌ای هم افراد با تمکن مالی پایین سکونت داشتند و هم افراد ثروتمند. با این تفاوت که مساحت، نوع ساخت، تجهیزات و... هر ملک با دیگری متفاوت بود، اما با هم تأکید می‌کنم منطقه زندگی بین این افراد جدا نمی‌شد. افراد پول‌دار، متوسط و بی‌پول با ترکیبات شغلی پزشک، نظامی، اداری، علمی، کاسب، هنرمند و... در همه مناطق مشهد ساکن بودند. استاد

شهرداری هم گواه این موضوع است که تفاوت بسیاری در مساحت خانه‌های یک محله وجود داشت. این مسئله نشان‌دهنده طراحی کالبدی آمیخته برای زندگی افسراد مختلف با طبقات متفاوت اقتصادی در کنار هم بوده است. در این ساختار شهرسازی، نقطه و منطقه و جای بالا شهری وجود نداشت که در مقایسه با دیگر مناطق ارجح باشد. این ساختار شهرسازی مشهد قدیم بود که به‌تدریج با اشتباهات بزرگ و عمدی در شهرسازی، جدایی‌گزینی‌ها و ایجاد مناطق کم‌برخوردار یا حاشیه‌ای‌ها یا در ادبیات عوام، پایین‌شهر ایجاد شد.

● منظور تان این است که جدایی‌گزینی مناطق مشهد به انتخاب مردم نبوده و دست‌آور عوامل شهرسازی و مدیریتی بوده است؟

بله. عوامل مدیریتی دانسته و عامدانه به جدایی‌گزینی مناطق مشهد بر اساس ثروت اقدام کرده است. این موضوع را در شکل‌گیری مناطق و خیابان‌های مشهد می‌توان اثبات کرد. سعدآباد نخستین منطقه بود که در این طرح جدایی‌گزینی مناطق شهری قرار گرفت. ابتدا عوامل مدیریتی در شهرسازی مشهد سعدآباد را که شمال (شامل) ۲۴ باغ از موقوفات مسجد گوهرشاد بود، تغییر کاربری دادند و زمین این مناطق را در خیابان‌های مولوی، طاهری و منوچهری فعلی به قطعات مساوی تقسیم کردند و در گام بعدی، به انتخاب آدم‌ها برای سکونت در این مناطق اقدام کردند.

● می‌گویید عوامل شهرسازی به انتخاب افراد برای سکونت در مناطق مشهد اقدام کرده‌اند؛ را شفاف‌تر توضیح می‌دهید؟

سیاست عوامل شهرسازی همواره این بوده است که ابتدا منطقه و مکانی بسازند و قیمتی برای زمین و خانه‌های آن تعیین کنند که خیلی‌ها توان خرید آن را نداشته باشند. همین موضوع خودش یک جدایی‌گزینی عامدانه بر ملاک ثروت افراد است. از طرفی این نوع قیمت‌گذاری یک فیلتر برای افراد است و هر فردی از هر طبقه اجتماعی و اقتصادی توان انتخاب آن را ندارد. چنان‌که گفتیم، خیابان سعدآباد اولین منطقه‌ای بود که شامل این نوع سیاست برای جدایی‌گزینی مناطق بالا شهر با پایین شهر در مشهد شد.

بعد از این منطقه، خیابان ابن‌سینا را عوامل شهرسازی انتخاب کردند. بر اساس اسناد شهرداری، این زمین‌ها را به قطعات ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ متری تقسیم کردند و فقط آن‌ها را به پزشکان واگذار می‌کردند. آن‌چنان‌که هنوز مردم این منطقه را کوی دکترا و چهارراه دکترا می‌نامند، در حالی‌که به‌هیچ‌عنوان در نام‌گذاری‌های رسمی و تابلوهای شهری این نام‌ها نبوده است، بلکه به‌دلیل نوع واگذاری این زمین‌ها به پزشکان، از قدیم مردم این منطقه را به نام کوی دکترا و چهارراه دکترا می‌شناسند. خود این موضوع جدایی‌گزینی دیگری در مناطق مشهد بود که منطقه‌ای را برخوردار از دیگر مناطق می‌کرد. سازندگان آن از همان ابتدا در اصول و طراحی‌های شهرسازی برای اینکه این نقاط را به قیمت خوبی واگذار کنند، زیرساخت‌ها و امکانات خوبی را ایجاد می‌کردند. بعضی که سبب عقب‌ماندگی دیگر مناطق مشهد با این مناطق شد.

● این جدایی‌گزینی‌ها در واگذاری مناطق مشهد به گرو‌ها و اقتشار جامعه چقدر گسترده بوده است؟ منظور اگر به چند منطقه محدود باشد، نمی‌توان ادعا کرد که پایین‌شهر و بالا شهر را خود عوامل مدیریتی در شهرسازی مشهد ایجاد کرده‌اند.

جدایی‌گزینی‌ها به‌هیچ‌وجه محدود نبوده است و شامل همه مناطق برخوردار امروز مشهد می‌شود. بعد از سعدآباد و ابن‌سینا که مثال آوردم، خیابان احمدآباد هم با سیاست‌گذاری مشخصی برای انتخاب سکونت‌افراد

در این منطقه ساخته شد. اگر به نام پیشین خیابان‌های این محدوده نگاه کنیم، خیابان عدالت در این منطقه ایجاد شد که «کوی قضات» نام گرفت و زمین‌های این منطقه را فقط به قاضی‌ها واگذار می‌کردند.

همچنین نام قدیم خیابان فرهاد نیز «کوی تیسران» بود که فقط به قشر ویژه‌ای از طبقه افراد نظامی این زمین‌ها واگذار شدند. در مناطقی نظیر آزادشهر نیز سیاست جدایی‌گزینی پیاده شد. چنان‌که وقتی بخش زیادی از فقر و نیازمندان مشهد نیاز به مسکن ارزان داشتند، امکان ساخت‌وساز در این منطقه را فراهم نکردند و چه‌بسا نوعی ممنوعیت ساخت در این منطقه ایجاد کردند تا این افسراد کم‌درآمد به مناطق پنجتن، تیمور، میثم و گلشهر هجوم بیاورند. بعدها به بالا بردن ارزش زمین و ملک در این منطقه و ایجاد زیرساخت‌های شهری مناسب‌تر، طوری برنامه‌ریزی کردند که این منطقه هم در فهرست مناطق بالا شهر یا برخوردار قرار گیرد.

دیگر مناطق مشهد که در سال‌های اخیر ایجاد شده‌اند نیز با همین سیاست پیش رفته‌اند. هاشمیه، هفتم‌تیر و دیگر مناطق تازه‌تأسیس شهری که همه را ابتدا با سیاست‌گذاری منطقه‌گران قیمت ساختند و سپس امکانات

شهری را به این مناطق بردند و طسوری برنامه‌ریزی کردند که سرمایه‌های شهر به این مناطق سرازیر شود. ● شما می‌گویید عوامل شهرسازی سبب ایجاد دوستی در مناطق شهری، یعنی مناطق برخوردار و کم‌برخوردان شدند، اما باز هم هر زمانی که انتخاباتی در راه است یا سخنرانی‌ها و بازدیدهای مدیران و مسئولان انجام می‌شود، همه نگاه‌ها و شعارها به مناطق کم‌برخوردان گسیل می‌شود. چرا؟

سیاست‌مداران شرکت‌کننده در انتخابات برای مانورهای انتخاباتی خود و جلب آرا، مناطق کم‌برخوردار را انتخاب می‌کنند؛ زیرا افرادی که برای نیازهای اولیه مانند غذا، مسکن، درمان، آموزش، شغل و... گرفتاری و محرومیت‌های گسترده‌ای دارند، چشم‌انتظار گره‌گشایی در این نیازهای اولیه‌شان هستند. از طرفی این گرفتاری‌ها و محرومیت‌ها بر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی توسط حکومت‌ها قابل‌جبران یا کاهش است. برای همین کسانی که ادعاهای انتخاباتی خود را می‌خواهند مطرح کنند، به مناطق کم‌برخوردار می‌روند و وعده‌های گوناگون می‌دهند. وعده می‌دهند خیابان‌ها را اصلاح کنند، خدمات رفاهی را ارتقا دهند

یا تسهیلات برای مقام‌سازی این مناطق ایجاد کنند... و... هم به تناسب همین نوع گزینش منطقه‌ای، از محله قدیمی خود جدا شدند و به مناطق تازه‌تأسیس رفتند. این در حالی بود که خواهر و برادرهای همه افراد یک خانواده این عناوین شغلی و تمکن مالی یکسان را نداشتند و بنا به شغل و توان مالی‌شان، برخی از آن‌ها در همان محله قبلی باقی‌ماندند. نتیجه این روند، مهاجرت‌های درون‌محله‌ای را در مشهد رقم زد.

● درباره مهاجرت از دیگر شهرها به مشهد چطور؟ از منظر جامعه‌شناسی، این مسیر چگونه رخ داده است؟ چنان‌که می‌بینیم دست‌کم در سال‌های گذشته بیشتر مهاجرت‌ها به مناطق کم‌برخوردار و حاشیه مشهد صورت گرفته و همین مسئله روی‌بروز به جمعیت حاشیه‌نشینان شهر افزوده است. از قدیم و در دوره‌های زمانی، به‌دلیل وجود بارگاه امام رضاع) در مشهد، ورود مهاجر به مشهد وجود داشته است. افراد از شهرهای دیگر با از روستاهای دیگر مشهد را برای زندگی انتخاب می‌کردند و به این شهر مهاجرت می‌کردند، اما نکته مهم در گذشته کمتر از ۱۰۰ سال مشهد این است که منطقه و محلاتی به نام حاشیه در این شهر وجود نداشته است، در صورتی که آن زمان هم مثل همین سال‌های اخیر بیشتر مهاجرانی که به مشهد برای زندگی یا کسب شغل و درآمد می‌آمدند، بی‌پول یا کم‌پول بودند. در عین حال، آن‌ها یا ملک‌هایی را برای خرید انتخاب می‌کردند و در مقابل برای همان جمعیتی که به هر دلیلی به مشهد سکونت کرده بودند، اگر برنامه مشخصی در نظر گرفته می‌شد، وضعیت اسکان غیررسمی و مناطق حاشیه شهر به شکل امروزی نبود.

● منطقه زندگی که جزو مناطق برخوردار یا کم‌برخوردار باشد، چقدر در فاصله طبقاتی و احساس نابرابری‌های اجتماعی نقش دارد؟ احساس نابرابری‌های اجتماعی عوامل مختلفی دارد و نمادهای محسوس بیشتری اثر را در این احساس به‌خصوص در قشر کم‌برخوردار دارد، اما بدیهی است که امروزه محل و منطقه سکونت افراد واضح‌ترین علامت محسوس برای کم‌برخورداری در

به نام حاشیه در این شهر وجود نداشته است، در صورتی که در مقابل برای همان جمعیتی که به هر دلیلی به مشهد سکونت کرده بودند، اگر برنامه مشخصی در نظر گرفته می‌شد، وضعیت اسکان غیررسمی و مناطق حاشیه شهر به شکل امروزی نبود.



نگار: محمدحسین صفاپور | شهر آرا